

بازخوانی مؤلفه‌های هویتی ایران (در تطبیق با عصر صفوی و جمهوری اسلامی)

نوع مقاله: پژوهشی

محمد جلیلی*

E-mail: jalilipv@gmail.com

ناصر جمال‌زاده**

E-mail: Jamalzadeh@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۹

چکیده

در دوران استعمار فرا نو با جهانی‌سازی مفاهیم فرهنگی، کنترل افکار عمومی ملت‌ها با ایجاد برساخت‌های هویتی و مخدوش‌سازی مزیت‌های نسبی آن‌ها صورت می‌گیرد؛ چراکه تضعیف قدرت تمدنی رقیبان را از طریق تغییر تصور ایشان نسبت به خود دنبال می‌کنند. این پژوهش تلاش دارد تا ضمن معرفی مؤلفه‌های هویتی جغرافیای ایرانی، دو بازه‌ی مهم تاریخ صفوی و جمهوری اسلامی را از حیث بررسی این عناصر، مقایسه کند. هدف از تحقیق، شناسایی خصایل منحصر به فرد هویتی و ادراک نحوه تأثیرگذاری بر این گزاره‌هاست. مسئله پژوهش نیز بازخوانی میزان توجه به ویژگی‌های هویتی ایرانیان در دو عهد حائز اهمیت تاریخ ملی است. نوع پژوهش، توصیفی تحلیلی، رویکرد آن تطبیقی و فرضیه‌اش رشد عناصر هویتی در طول این دو عصر با سنجش میزان اهتمام جمهوری اسلامی به حفظ و تقویت آن‌هاست. نتایج به دست آمده در بررسی پانزده مؤلفه: «تاریخ، زبان، جغرافیا، حکومت، سیاست، رهبری، دشمن، اسطوره، آرمان، مذهب، مناسک، مراسم، علم، هنر و اخلاق» نشان می‌دهد که در حیات کوتاه مدت جمهوری اسلامی علی‌رغم بروز موانع هویتی اعم از مشکلات داخلی و موانع خارجی در قیاس با عصر حاکمیت صفوی، عناصر بیشتری فعال شده و رویکرد منسجم‌تری اتخاذ گردیده است.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، تاریخ ایران، صفویه، جمهوری اسلامی، مطالعه تطبیقی.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.



مقدمه و طرح مسئله

آنچه در تکاپوی ارتباطات جهانی در معرض تهدید قرار گرفته، شخصیت افراد، خودیابی اقوام و اصالت درونی ملت‌هاست. در تهاجم فضای مجازی و فشار ساختارهای قانونی بر تکثر فرهنگی و تفاوت‌های تمدنی، آنچه می‌تواند مؤلفه‌ی شناسای مفهوم «من» تعریف شود، خصایص منحصر به فرد و عناصر تمایز بخش ماست. می‌دانیم که از برجسته‌ترین اعصار هویتی ایران، دوران هخامنشی، ساسانی و صفوی است؛ اما پس از یک دوره افول اجتماعی و با شروع عهد ناصری، ایران در سیر بازآفرینش خود قرار گرفت. شاید بتوان جمهوری اسلامی را با عبور از مدرنیسم پهلوی، نوید جان‌یابی و اقتران مجدد عناصر ملی - مذهبی در هویت ایرانی بر خوانند. دورانی که به سان شکوفایی صفوی، استعداد مردمی را به صحنه کشانده و پراکنندگی ایرانی را حول گفتمان سازی شیعی، بر مزیت‌های سرکوب گشته خود متمرکز ساخته است. در تحلیل حاضر ضروری است تا با ذکر اساسی‌ترین مؤلفه‌های هویت بخش این مرزوبوم، دو قاب از تاریخ اثرگذار ایرانی را در مقایسه‌ای تطبیقی به آزمون نظر بگذاریم. این تلاش سنگ محکی خواهد بود تا به یاری خواننده با شناخت آنچه از خصایص ما در این ادوار قابل تصدیق است، مانا ترین اسباب هویت بخش ایرانی را به سنجه بگذارد. تألمات ادوار زندگی، روح آدمی را ساخته و من وجودی مان را در گيرودار تجارب عمر شکل می‌دهد. ذهنیت ما از چیستی «من» با خودآگاه و ناخودآگاهمان عجین شده و حاصل دگرگونی‌های عمیق حوادث محیطی است که ویژگی‌های شخصی مان را تصویر می‌کند (یونگ، ۱۳۷۹: ۴۸/۷). هویت، بازتاب خصایصی است که تفاوت‌های جمعی را بر آینه ارث و اراده، عیان می‌کند. در گذشته بر ذاتیت و در روزگار ما بر ماهیت برساخته‌ی هویت تأکید می‌شود. اشخاصی چون کچوئیان معتقدند که شناخت نگرش هویتی ایرانی وابسته به فهم روح دینی در گوهر درونی آن است (کچوئیان، ۱۳۹۰: ۲۴/۱۷).

مسئله پژوهش

برشماری مؤلفه‌های هویت‌ساز در بستر دو عصر ممتاز تاریخی است که ایران شاهد انسجامی درونی حول ایده‌ی مذهبی حاکمیت است. در هزاره‌ی اخیر، تمدن صفوی از نقاط عطف تاریخی و اوج در هم‌آمیزی عناصر ایرانی - اسلامی وصف می‌شود. به تبع، تاریخ انقلاب اسلامی که در کناکش جریانات داخلی و تقابل دشمنان خارجی

تبلور یافته، به‌عنوان شاه‌رگ حیات هویتی ایران بر پرده‌ی نمایش است. این پرسش که در شرایط کنونی مؤلفه‌های تمایز ساز و استعداد‌های به‌خصوص این کهن سرزمین متشکل از چه عناوینی است؛ دغدغه اولیه تحقیق و اینکه آن عناصر در دو عهد مذکور چه فراز و فرودهایی داشته‌اند، مسئله ثانی آن است.

هدف پژوهش: دریافت مؤلفه‌های هویتی ایران در دو تاریخ برجسته‌ی هزاره‌ی اخیر و کشف رابطه‌ی این‌چنینی میان آن‌ها ناظر بر تأکید و تقویت این عناصر را می‌توان هدف پژوهش دانست. به عبارتی، پژوهشگران این تحقیق به دنبال نتایجی هستند که نسبت جمهوری اسلامی و حاکمیت صفوی را در ساخت و بازیابی مؤلفه‌های هویتی ایران، ارزیابی و تأثیر هویتی آن را تطبیق دهد.

اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش ناظر بر آن است که نسل‌های جدید انقلاب، اغلب فروافتاده در ورطه خودکم‌بینی و بحران هویت‌اند که به‌واسطه‌ی فشارهای اقتصادی ناشی از سوء مدیریت داخلی، تحریم و تبلیغات خارجی است؛ لهذا ناگزیر از آنیم که شخصیت تاریخی‌مان را بازسازی کنیم. در جهان حاضر، رسانه‌های جمعی، هویتی جعلی می‌سازند که باشخصیت اجتماعی ملت‌ها در تناقض است. در این بین تنها مردمانی که دارای تصویری کامل از خودند، توان حفظ مزیت‌های درونی و پایایی در امواج سهمگین دیجیتالیسم را خواهند داشت. جدال گفتمان هویتی، بحران همه‌گیر اقوام و ملل هضم‌شده در باتلاق نظام جهانی است (هال، ۱۳۹۶: ۵۴/۵۱).

فرضیه تحقیق

حدس محققان این است که هر دو بازه‌ی تاریخی در ساخت عناصر هویت ایرانی، تأثیری فزاینده داشته‌اند؛ چه‌بسا عصر انقلاب اسلامی در برجسته‌سازی آن یک گام فراتر باشد.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع توسعه‌ای و از حیث رویکرد، تطبیقی است. مبدع جامعه‌شناسی تطبیقی را می‌توان ماکس وبر دانست. وی از این روش در مقایسه و سنجش ملت‌ها میان ادوار گوناگون تاریخی، چون فرایندهای جوامع سوسیالیستی - کاپیتالیستی استفاده می‌کرد. دورکیم معتقد بود که تمام قیاس‌های اجتماعی از نوع تطبیقی است و این



رویکرد با قیاس مشابهت‌ها و مفارقت‌ها در مطالعه مؤلفه‌های اجتماعی خاص ممکن است. زرین‌کوب نیز حقیقت‌یابی در متون تاریخی را اغلب در مطالعات تطبیقی پدیده‌ها از جهت ارتباطشان با زمان و مکان، برمی‌شمرد (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۱۳۵). این رویکرد از کهن‌ترین روش‌های به‌کاررفته در علوم سیاسی است، چنانچه ارسطو در مقایسه انواع حکومت‌ها و هرودت در بازخوانی جهان یونانی و غیر یونانی از آن بهره برده‌اند. اشتراوس معتقد بود چرخه شناخت آدمی در روابطی دودویی از طریق ادراک اشتراکات و افتراقات میان خود و موجودات شکل می‌گیرد. مارش و استوکر نیز عقیده داشتند طریق آزمون نظریات، استفاده از روش تطبیقی است تا با ذکر تفاوت‌ها، نقص‌ها اصلاح و خصوصیات احصاء شوند (مک‌کی، ۱۳۹۰: ۲۸۷/۶). فلذا تطبیق در کنار توصیف و تبیین، یکی از غنی‌ترین ابزارهای علوم انسانی در تحلیل رخدادهای تاریخی است (عالی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۷). اگرچه در غرب، به‌کارگیری داده‌های آماری بر آن افزوده شدند اما از دیرباز در آثار ابوریحان بیرونی، غزالی و ابن‌خلدون، به‌کاررفته است (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۷۷)؛ بنابراین مطالعات تطبیقی این پژوهش، بر اساس سنجش شباهت‌ها و تفاوت‌ها و بررسی کیفی میزان تغییرات حاصل‌شده در دو عصر نام‌برده نسبت به مؤلفه‌های هویتی ایران انجام می‌شود.

پیشینه تحقیق

محتوای تحقیقات گذشته یا به نحو خاص بر مقوله‌ی هویت فرهنگی ایران تمرکز داشته، یا به‌طور جداگانه، رویکرد اعصار صفوی و انقلاب اسلامی را نسبت به سیاست‌های هویتی خود سنجیده‌اند. در اینجا فقدان تطبیق مؤلفه‌های هویتی میان دو حکومت مشهود است.

جدول شماره ۱: بررسی پیشینه تحقیق (منبع: یافته‌های پژوهش)

پیشینه پژوهشی حوزه‌های مرتبط با هویت ایرانی و اعصار صفوی و جمهوری اسلامی					
ردیف	نوع اثر	عنوان اثر	شناسه اثر	مؤلف	توضیحات محتوایی
۱	کتاب	تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران، با تأکید بر دوره صفویه	نشر مطالعات ملی، تمدنی ایران، ۱۳۸۷	حسین گودرزی	در این پژوهش، تمرکز اثر بر تبیین برخی از مؤلفه‌های هویتی و چگونگی شکل‌یابی آن‌ها در جامعه نوین ایرانی است. نویسنده دوران صفوی را به‌عنوان نوزایش هویتی ایران معاصر انتخاب نموده و نسبت به

عناصری چون مذهب شیعی و سیاست‌های دینی حاکمیت صفوی تأکید دارد.					
این نوشتار در نقد محافظه‌کارانه روحانیت شیعی و سیاست‌های حکومت قاجار و پهلوی در عدم توجه به بن‌مایه‌های سیاسی دینی تشیع نگاشته شده است و بر بازیابی عناصر بومی هویت ایرانی تکیه دارد.	علی شریعتی	نشر سپیده باوران، ۱۳۹۴	بازشناسی هویت ایرانی اسلامی	کتاب	۲
این رساله با بررسی نقادانه سیاست‌های هویتی ایران در ادوار پهلوی و جمهوری اسلامی قصد دارد تا با زیر سؤال بردن برخی اقدامات در جمهوری اسلامی، از طریق هشیار سازی مخاطب به عناصر بومی هویت ایرانی بازگشت دهد.	محمد پادبان	کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، تابستان ۱۳۹۷	بررسی تطبیقی سیاست هویت در ایران دوره‌ی پهلوی و جمهوری اسلامی	پایان‌نامه	۳
رساله مذکور با برشماری برخی از اقدامات هویت‌ساز دولت صفوی تلاش دارد تا به موفقیت آن‌ها در شخصیت‌سازی ایرانیان اشاره دهد. این عناصر که عمدتاً شامل نظام یکپارچه اداره کشور مبتنی بر عقاید شیعی است، به‌عنوان رکن هویتی ایران تأکید شده و بر پایه مستندات، تبیین گردیده است.	سید مجتبی کاظمی	کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران، جنوب، پاییز ۱۳۹۵	مؤلفه‌های مؤثر در تثبیت هویت ایرانی شیعی در عهد صفویه	پایان‌نامه	۴
مقاله با برشماری برخی اقدامات صورت پذیرفته در انقلاب اسلامی و بررسی تأثیرات گوناگون آن در خودباوری و دین‌مداری مردم، به نقش هویت‌ساز انقلاب اسلامی تأکید دارد. این پژوهش با تبیین نقش رهبری، رویکرد روحانیت شیعی و روح معنوی جامعه ایرانی، احیای هویت آنان را توصیف می‌کند.	علی‌اکبر کمالی اردکانی	فصلنامه پژوهشی دین و ارتباطات، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۴	انقلاب اسلامی و بازسازی هویت ملی در ایران	مقاله	۵
این پژوهش با بررسی مسائل اجتماع ایرانی در دوره صفوی بر بعضی عناصر خاص چون رسمی سازی مذهب شیعه، احیای نقش و ارتباط علما و دربار، تکیه بر ارزش‌های اسلامی و غیریت‌سازی با عثمانی، در تمجید از اقدامات هویتی صفویان است.	مژده رحیمی	نشریه مطالعات ایران‌شناسی، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۶	بازتاب هویت ایرانی در عصر صفوی	مقاله	۶

نحوه گردآوری

داده‌های تحقیق مبتنی بر روش اسنادی و از طریق مطالعه مراجع اصلی، آثار مکتوب کتابخانه‌ای و مقالات پژوهشی مرتبط با موضوع است که پس از بررسی، گزینش و فیش برداری مواد علمی و نتایج متقن پژوهشی، در سیر نگارش مقاله حاضر، تدوین و تبیین گردیده‌اند.

مفاهیم نظری

هویت را می‌توان مجموعه مشخصاتی برشمرده که ممیزات روحی - جسمی افراد را نمایش داده و شخصیت آنان را شکل می‌دهد. «خون، خاک، استعداد» و عواملی چون «تاریخ، فرهنگ، اعتقادات و مخاطرات زمانی» در ترسیم این هویت نقش دارند (شعبانی، ۱۳۸۵: ۲۲/۲۰). هویت در دیالکتیک فرد و جامعه تولید می‌شود؛ در اندیشه و احساسات شخصی رشد می‌یابد و میان دو واقعیت وجودی من و جهان فرهنگی خارج از آن ارتباط می‌گیرد. این فرایند، بین هستی ما و دیگری روحی می‌سازد که مایه تفاوت‌هاست؛ همان چیزی که جی. اچ. مید به‌عنوان «ساخت منیت» بر آن تأکید داشت. امانوئل کاستلز هویت را مجموعه درهم‌تنیده‌ای از خصوصیات فرهنگی می‌خواند؛ ریچارد جکینز آن را به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم می‌کرد؛ کیت نش و آصف بیات آن را در نظریات فرهنگی - اجتماعی و موفه و لاکلا نمودش را در فرایند گفتمان عمومی می‌جستند. می‌توان سیاست هویتی را بخشی از پروژه جهانی‌سازی ذیل رویکرد سرمایه‌داری برشمرده که از دهه ۱۹۷۰ به بعد، پررنگ شد (زهیری، ۱۳۹۸: ۸۵/۳۳). مفهوم روح ملت، دلالت بر شرایطی دارد که یک نوع حقیقت فرازمانی را انعکاس می‌دهد؛ همان‌طور که وبر روح سرمایه‌داری را مقدم بر ساخت کاپیتالیسم دانسته است. هویت ملی در نگاه برخی جوهرگرا و دارای ذاتی واحد است و از منظر گفتمان‌گرایانی که در پساساختارگرایی و پسامارکسیسم بیشتر حاضرند، مجموعه‌ای از رویکردهای متعارض تلقی می‌شود. نظریات هویت ملی را می‌توان در سه دسته آورد: «باستان‌گرایان» که تعریف کامل و روشنی ندارند چون: زرین‌کوب؛ «تلفیق‌گرایان» که تلاش دارند میان روح ایرانی - اسلامی جمع کرده و به خویش‌تن بازگشت دهند، چون: اسدآبادی، شریعتی و آل‌احمد؛ و سوم «تکثرگرایان» که بیشتر از روشنفکران مدرن‌اند، مانند رجائی و شایگان که هویت را به بافت چهل‌تکه، چیدمان موزاییکی یا رسوبات رودخانه‌ای جاری تشبیه کرده و حامل عناصر ایرانی، اسلامی، سنتی و متجدد می‌دانند. رجائی

تلاش دارد از پنجره دو ساختار سیاسی - اجتماعی و فرهنگی - دینی، مشکله هویتی ایرانیان را فهم کند (رجائی، ۱۳۸۲: ۸۴/۸۵).

در این بین اشخاصی چون اشرف، هویت ایرانی را از هویت ملی که مفهومی برگرفته از نظام بین‌الملل جهانی است تمایز می‌دهد؛ مجتهدی بر هویت صدرایی ایرانیان تأکید می‌کند، داوری اردکانی هویت سکولار را بحران جدید می‌خواند و سروش، هویت ایرانی را منشعب از سه منبع اسلام، ایران و غرب برمی‌شمارد (نجفی، ۱۳۹۹: ۱۳۰/۱۴۰).

در خصایل هویت ایرانی بین‌پند و اندرزنامه‌هایی چون جاودان خرد مسکویه، عناصری مانند: «اعتدال‌محوری، عدالت‌طلبی، اخلاق‌مداری، معنویت‌گرایی، علم‌جویی، خویشتن‌داری و پاک‌دامنی» مذکور است. علامه مطهری، درد، وجدان و اراده مشترک را که با زبان، فرهنگ و سنت‌های تاریخی یکسان عجین باشد از مؤلفه‌های هویت می‌داند که در سیر شناخت ایرانیان الزامی است. نظام خاطرات جنگ‌ها و خیانت‌ها، آشوب‌های قومی و سرزمینی، نخبگان و نمادهای علمی، هنری، آئینی و اسطوره‌ای، از دیگر عناصر مشترک هویتی در میان ملت‌هاست. باید گفت: ایران باوری در تضاد با اسلام‌خواهی و تناسب با غرب‌گرایی نیست؛ بلکه جوهر جدایی‌ناپذیر ایران در هزاره اخیر، اسلام است (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۸/۹۹). شایگان نیز هم‌آمیزی قومی - زبانی ایرانیان را به تبعیت از اری دلوکا و دنی لارکون ارج نهاده و طبیعت مواجهه با دنیای مدرن می‌بیند که یکسان‌سازی‌اش تحجر هویتی است (شایگان، ۱۳۹۶: ۷۹/۱۴۰). مضاف بر این‌ها توجه به ترقی‌خواهی، جمال‌گرایی و ادغام‌پذیری اجتماعی؛ جاذبه‌ها، دافعه‌ها و اندیشه‌های ملی؛ قهرمانان، دشمنان و رهبران تاریخی؛ اقلیم، اقوام و مناسک جاری؛ مصادر قدرت، روابط حکومت و اخلاق عمومی نیز ذکر گردیده‌اند (شعبانی، ۱۳۸۵: ۷۱/۲۵۳). اشرف بر «غیریت‌سازی» ایرانیان، چون دوگانه‌های ایران و انیران، ایران و رومیان، ایران و اعراب، ایران و عثمانیان، ایران و هندیان و ایران و اروپاییان تکیه زده و بر همزیستی قومی - ایلی اصرار می‌ورزد. این مفهوم از زمان صفوی در هویت شیعی نضج گرفت و دولت‌سازی داخلی و ستیزه‌جویی خارجی درون‌مایه آن بود (اشرف، ۱۳۹۵: ۲۱/۲۳).

می‌توان گفت: منابع هویت در فرایندی دائمی از بودن تا شدن متحول است و از سرزمین و دولت تا منافع امنیتی، اقتصادی، حقوقی و عاطفی مشترک را شامل می‌شود (افروغ، ۱۳۸۰: ۳۵)؛ لهذا باید مواردی را نام برد که در ساخت اختصاصی یک ملت مؤثرترند. قدیر نصری در ذکر این موارد به عناصر: «مذهب و شعائر دینی، زبان و ادبیات، تاریخ و جغرافیا، اسطوره و حماسه، آئین و رسوم، هنر و صنایع دستی، موسیقی



و معماری» اشاره می‌کند (نصری، ۱۳۸۷: ۱۹/۲۹۹). در قانون اساسی نیز مواردی چون ولایت فقیه، مبارزه با نظام سلطه، آزادی خواهی و استقلال طلبی، حمایت از مستضعفین و امت گرایی دیده می‌شوند (بلباسی، ۱۳۹۷: ۱۶۵/۱۷۹).

مبانی، معیارها و شاخصه‌ها

مبانی هویتی پژوهش تلفیقی از آراء: «شریعتی، عنایت، شایگان، رجائی، نجفی، کچوئیان و افروغ» است. «واقع گرایی و تجمیع سازی» روح آن مبانی و به تحقیق نویسندگان شامل این موارد است:

- ۱- درک وحدت، تعامل و همیاری میان ملیت ایرانی و مذهب اسلامی؛
 - ۲- عدم انکار اختلافات قومی - زبانی و تنوعات فرهنگی در عین ایران گرایی؛
 - ۳- توجه به انباشت تاریخی مؤلفه‌های هویتی در طول جنگ‌ها و مهاجرت‌های منطقه‌ای؛
 - ۴- جامع‌نگری در سیاست، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد، جغرافیا، تاریخ، شخصیت‌ها و نمادها؛
 - ۵- اعتقاد به وحدت درونی عناصر هویتی ایرانیان در عین کثرت‌های فرهنگی - سیاسی؛
 - ۶- ادراک روح منعطف، معتدل، مقاوم، معنویت خواه، عدالت مدار و غیریت ساز ایرانی.
- معیارهای مذکور با لحاظ جامع‌نگری به هویت فرهنگی - تاریخی ایرانیان، مورد پذیرش نهایی و مبنای نظری تحقیق حاضرند، چراکه مبتنی بر اندیشه‌ای وحدت‌آمیز با درک کثرت‌های حقیقی هستند؛ بنابراین عناصر هویتی تحقیق در ۵ شاخصه و ۱۵ مؤلفه گردآمده و از مواردی چون: «محیط، اقلیم، اندیشه، فرهنگ، آئین، سیاست، رقابت و...» گزینش شده است. عناوین مؤلفه‌های هویتی تحقیق به انتخاب نویسندگان پژوهش عبارت‌اند از: «تاریخ، زبان و جغرافیا؛ حکومت، سیاست و رهبری؛ دشمن، اسطوره و آرمان؛ مذهب، مناسک و مراسم؛ علم، هنر و اخلاق». در نهایت پس از توصیف و تحلیل متناظر، هر کدام از آنها برای مقایسه در نتیجه‌گیری، می‌آیند.

تبیین بازه‌ی زمانی

همان‌طور که علی شریعتی، روزنه‌ی رهایی از شیء شدگی اجتماعی و حیوانیت اقتصادی را بازگشت به خویشتن فطری از مسیر بازیابی اصالت فرهنگی دانست؛ (شریعتی، ۱۳۹۴: ۱۲۰) و رسول جعفریان، تنها مسیر استقلال هویتی ایران را بازگشت به وحدت فرهنگی - سیاسی - مذهبی صفویان خواند (جعفریان، ۱۳۹۳: ۸۲۱)؛ این بازه را می‌توان سرآغازی در تاریخ هفت‌هزارساله‌ی آریایی برشمرد که مفر جدیدی در اتحاد

پسا ایلخانی - ساسانی اقوام پراکنده ایرانی باز کرد. سلسله صفوی (۹۰۵-۱۱۳۵ ه.ق) که بیش از دو قرن بر حدود جغرافیایی مرو، قندهار و سیستان تا بصره، دیاربکر و ایروان به سان وسعت ساسانی و افشاری، خودنمایی نمود، از شاه اسماعیل اول تا شاه عباس سوم را به خود دید. دورانی که در آن مؤلفه‌های هویت ایرانی از ادبیات فارسی، معنویت شیعی، سیاست منطقه‌ای، هنر و معماری باشکوه جهانی، بازآفرینی شد. فلذا اصفهان شیعی در خصومت با آناتولی سنی و غیریت با اروپای مسیحی، هویت مستقلی ساخت که در جوار گورکانیان تثبیت گشت. کاتوزیان، ظهور صفویه را دمیدن در شیپور امپراتوری ایرانیان می‌خواند که توانایی اداری - فرهنگی آنان را در هویتی نوبر عرب فاتح مشق می‌کرد تا در گستره‌ای فراگیر از مرکز و غرب آسیا، فارس زبانی و ایران‌اندیشی را به اقیانوس حیات اندازد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۲۹/۲۶).

با فروپاشی صفوی و سقوط اصفهان، جز جامعه کوتاه‌مدت افشاری، نوبت به سالیانی از تشمت و نابسامانی رسید. با استقرار سلسله قاجار، هویت ایرانیان به سرخوردگی مبتلا، به استبداد گرفتار و به استعمار دچار شد؛ تا پس از تجربه‌ی بحران جنگ‌های روس و فرنگ گردی شاهان، کار به پوست‌اندازی هویتی برسد. تلاقی قانون سالاری و تحجر ستیزی روشنفکران مشروطه‌خواه و عدالت‌خواهی علمای مهاجرت کبرا، ایران در بستری از کشمکش‌ها نشست که مدرنیزاسیون ناقص پهلوی را زائید. با تجددطلبی افراطی رضاخان و ناسیونالیسم آمریکایی محمدرضا، هویت دینی به محاق رفت و تلاشی کور در جهت پوشاندن الگوهای غربی بر تن ایرانی صورت گرفت؛ اما ذات معنویت‌گرا و تحمیل‌ستیز ایرانی به تعبیر آبراهامیان فوران آتش‌فشانی بود که لشکر مستضعفین را برای دفع قرن‌ها خودکامگی شاهان و دخالت‌گری اجنبیان به استقلال و انقلاب دینی کشانید (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۷۹/۸).

مقایسه تطبیقی

شاخصه محیطی (مؤلفه‌های تاریخ، زبان و جغرافیا)

در دوران صفوی

پس از قرن‌ها پراکندگی شیعیان فاطمی، یمنی، ادریسی، حسنی، علوی، مرعشی، طبری، سربرداری و آل‌بویه، از قرن هفتم هجری تلاش‌های علامه حلی، ابن‌مکی و حیدر آملی ثمر داد تا اتفاق دیگری در تاریخ نوین ایران رقم بخورد. سلسله‌های صوفی مذهب نعمت‌اللهی، نوربخشی، ذهبی و بکتاشی با گذر از عهد تیموری به تولد هفت طایفه بزرگ فدائی شیعه، یعنی: تکه‌لو، شاملو، استاجلو، افشار، قاجار، رملو و زنگنه



انجامیدند. در اینجا نوبت به روی کار آمدن شیخ صفی‌الدین، داماد شیخ زاهد گیلانی از کلخوران اردبیل رسید تا اخلاق و اندیشه‌ای را پیش بگیرد که ندیده‌اش اسماعیل بتواند با اتخاذ رویکردی سیاسی - مذهبی، در ۹۰۵ هجری قیام کرده و اقوام پراکنده ایرانی را با به رسمیت شناختن مذهب شیعه اثنی‌عشری متحد سازد. پس‌ازاین، شاهد ظهور دولتی پایداریم که اصفهان را نصف جهان نمود، هم‌تراز با قدرت عثمانی - اروپایی شد و نقطه عطفی در تاریخ ایران رقم زد. عصری که تجلی تعظیم دین‌داری و رسمیت تشیع دوازده‌امامی، بازگشت حاکمیت منسجم و ضابطه‌مند سرزمینی، شکوفایی علم و فقه و حدیث، هنر و صنعت و معماری، راه و امنیت و ارتباطات محسوب گردید (ضابط، ۱۳۷۷: ۴۹/۲۵).

زبان، محور نظام ارتباطی و مولود ساخت اقوام اجتماعی، ارزش‌ها، ایده‌ها و نمادهای فرهنگی یک سرزمین و در مردم‌شناسی پدیده‌ای کانونی است. در این عهد برای اول‌بار زبان فارسی به‌طور رسمی جایگزین دری و پهلوی شد و به‌عنوان زبان حاکمیت و قراردادهای خارجی، اسناد مالی - تجاری، اوراق علمی - آموزشی، اشعار و محاورات عمومی معرفی گردید. فارسی آن‌قدر گسترش یافت که از مقر علمای عرب و هند تا رود گنگ و سیام، تکلم می‌شد (کمپفر، ۱۳۶۴: ۱۶۷). باوجوداین، براون از قلت شعرای صفوی، متعجب است (براون، ۱۳۶۹: ۳۸). اهمیت فارسی در هویت بخشی به الگوی اندیشگی ایرانیان و غیریت‌سازی با دیگر فرهنگ‌ها آن‌قدر بالاست که بسیاری از تئوری‌های فرهنگی - هویتی حول پرداختن به آن می‌گردد. فارسی به‌عنوان یکی از بارزترین عناصر هویتی ایرانی شناخته می‌شود، مؤلفه‌ای که در نگاه صفویان نیز پررنگ بود و برای حفظ و گسترش آن تلاش زیادی نمودند. کمتر ایرانی حتی بی‌سواد، ناآشنا با مجالس شاهنامه‌خوانی بود و علی‌رغم تقابل قاجار با ادبیات این دوره، نباید صدمات زبانی ایلخانی و تیموری را نادیده گرفت و فقدان آثار بزرگ ادبی را منتسب به شاهانی نمود که ملک‌الشعرا درباری داشتند. درمجموع این دوره، عصر تثبیت و تشهیر فارسی از روم شرقی تا شبه‌قاره است و مرزهای باستانی ایران در آن احیا شد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۸۵/۲۶۷). محدوده‌ای که از بصره و زاگرس و وان در غرب تا مرو و میمنه و قندهار در شرق و از تفلیس و قفقاز و داغستان در شمال تا بحرین و خلیج فارس و بلوچستان در جنوب گسترده و به نجد جغرافیای ایران شهرت داشت. باآنکه این حدود استراتژیک در سیر جنگ‌های متعدد با تاتاران شیبانی، لشکریان عثمانی، اقوام آق‌قویونلو، شورشیان مکران و دریانوردان پرتغالی گاه جابه‌جا شد، اما همواره جزو ممالک ایرانی -

ایرانی و فرهنگ ایرانشهری بود (گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۲۸) در حقیقت صفویان با درک موقعیت، واقعیات تاریخی و فهم هویت زبانی منطقه، توانستند یک دولت دروازه‌ای و قطب ژئوپلیتیکی بسازند که حتی حکام امپریالیست اروپایی مجبور باشند برای کاهش فشار عثمانی، جویای تعامل راهبردی با آن شوند (حافظنیا و قلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۵/۴).

در دوران جمهوری اسلامی

با ظهور انقلاب اسلامی، مظاهر مدرنیته، هم‌سنخ با ارزش‌های بومی نقش گرفت تا مفاهیمی چون: رهبری دینی، مردم‌سالاری، تفکیک قوا، استکبارستیزی، استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی، به‌طور نظام‌مند و قانونی در قاموس ایرانیان زنده شود. پس از این دوره طرح تجدید هویت ایرانی و مواجهه اصیل با دنیای مدرن ریخته شد (کمالی اردکانی، ۱۳۸۴: ۱۸/۱۵). انقلاب قرن بیستم در ایران، رؤیای نادیده مشروطه خواهان قاجار در تحقق قانون اساسی مردم محور و آرزوی تغییر سلطنت موروثی ۲۵۰۰ ساله پادشاهان استبدادی را محقق ساخت.

در دوران معاصر توجه به زبان فارسی و ظرفیت درونی آن برای انتقال مفاهیم فرهنگی - مذهبی بارها مورد تأکید سیاست‌گذاران و رهبران انقلاب اسلامی قرار گرفته است. آگاه‌سازی عمومی برای جلوگیری از عادی‌سازی به‌کارگیری اصطلاحات فرنگی در زبان محاوره، تشویق راینان فرهنگی و تصمیم‌گیران مراکز علمی به تأسیس مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی در مؤسسات ایران‌شناسی جهان و نیز پاسداری از فرهنگ ملی از طریق نشر اشعار و حکایات پارسی مورد توجه قرار دارد. فلذا حاکمیت سیاسی بیش از سالیان گذشته، آموزش زبان فارسی در نظام مدارس را بسط داد، به تولد ادبیات مقاومت و شعر آئینی کمک کرد و علی‌رغم تلاش برخی دولت‌های متخاصم در فارسی‌زدایی از کتب درسی و اداره‌ها و رسانه‌های عمومی، آموزش مدون فارسی در منطقه را چون کشورهای ارمنستان، تاجیکستان، افغانستان و عراق، با تأسیس مراکز آموزش زبان و مؤسسات حوزوی جامعه‌المصطفی و جامعه‌المرتضی گسترش بخشید.

اگرچه امروز مرزهای سیاسی ایران محدودتر از صفوی است، اما تأثیرات فرهنگی آن و شهرت جهانی که با زبان منحصر به فرد، خوش آوا و غنی خود یافته است، شهرتی جهانی دارد. جمهوری اسلامی با تثبیت مرزهای جغرافیایی در دورانی که تمام منطقه درگیر جنگ، آشوب و ناامنی بود، دفاع سرزمینی را با تثبیت اندیشه‌ی مقاومت اسلامی و امت واحد بنیان نهاد. علی‌رغم تجاوز هشت‌ساله به مناطق غربی و تجزیه‌طلبی گروهک‌های مرزی از ترکمن صحرا تا تبریز، کردستان و خوزستان؛ برخلاف قاجار و



پهلوی که از نواحی قفقاز، قندهار و سیستان تا کوه‌های آرات و جزیره بحرین به یغما رفته بود، تمامیت ارضی ایران حفظ گردید. در واقع جمهوری اسلامی ذیل نظریه ام‌القری، ملی‌گرایی را با اسلام‌خواهی تلفیق کرد (هزاوئی، ۱۳۹۵: ۱۱۱/۸۴).

شاخصه‌های سیاستی (مؤلفه‌های حکومت، سیاست و رهبری) در دوران صفوی

صفویه پس از هشت قرن هویت ایرانی را با ارائه ایدئولوژی شیعه زنده کرد و قدرتی بر سه پایه سایه الهی شمردن فرمانروا (فر ایزدی)، مرشد کامل طریقت صوفی نامیدن شاه و مقدمه ظهور منجی و نائب‌المهدی (عج) برخورداران حاکمیت خود، بنا نهاد. آنان با محو آثار تفرقه‌انگیز و انتساب خود به امام موسی بن جعفر (ع)، تلاش داشتند که از همه‌ی ظرفیت‌های درونی برای متحد‌سازی اقوام استفاده کنند. با نیروی عظیمی که شیخ صفی از کثرت دوست‌داران خانقاه خود ایجاد کرد، زمینه‌ی تشکیل حکومت مقتدر ایجاد شد. نقل است که در برابر هر سرباز، صد صوفی وجود داشت و از جیحون تا مصر و از هرمز تا باب‌الابواب، مریدان شیخ مشهود بودند؛ تا جایی که هرساله تنها از مسیر مراغه، ۱۳۰۰۰ تن به دیدارش می‌شتافتند. با اتخاذ رویکرد جهادی علیه کفار که از زمان جنید دنبال شد، دوره جدیدی پدید آمد که در عهد نوه‌اش اسماعیل با شکست شیروان شاه، سپاهیان الوند و اقوام آق‌قویونلو به تثبیت صفوی منجر گشت. آنان با ایجاد نظامی منظم، ارتشی ۴۰۰۰۰ نفری و اخذ مالیات ثابت از ایالات خاصه، همچنین با توسعه‌ی مفهوم وقف و اعطای مسئولیت اقتصادی - عمرانی ایران به مردم، توانستند پایایی امنیتی و شکوفایی اقتصادی بالایی رقم بزنند.

این سیاست، اصفهان را قطب گردشگری کرد و اسباب هجرت هزاران صنعتگر متمول ارمنی به جلفای جدید را مهیا ساخت. از اسپانیا و ایتالیا تا انگلیس و فرانسه نیز، تجار و دیپلمات‌های غربی را به دادوستد و تمجید از پایتخت ایرانی کشاند تا در سفرنامه‌هایی چون: گارسیا، دلاوانه، اولئوریوس، سانسون، تاورنیه، دریابل، کروسینسکی، کمپفر، شاردن و شرلی، ظاهر شود (سیوری، ۱۳۶۳: ۱۲۰/۲). در این دوره، نظریه وابستگی مشروعیت دینی سامان گرفت و علما به‌عنوان نایبان امام غایب، امر حکومت را به شاه تفویض کردند تا خلق را از ظلم بر رعیت و خوف بر ناموس و ابدان و اموالشان حفظ کند. روحانیت با قبول قضاوت و ارشاد در مقامات صدر، شیخ‌الاسلام، قاضی، ملاباشی و مرشدی برای شاه؛ از کرکی تا مجلسی، سیاست ایرانی را دینی کردند و از دربار احترام و اعتباری برابر ستاندند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۳۶/۱۱۹).

همچنین در موقعیت علما نسبت به شاهان، همین بس که: شخصیت‌هایی چون آقاسین تاج و اسماعیل خاتون‌آبادی بالادست حاکم می‌نشستند و شاه به اخذ تبرکی از ایشان می‌بالید. البته برخی شاهان صفوی برای مدتی نزد مردم مقامی قدسی داشته و مراد طریق و سعادت آنان محسوب می‌شدند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۷۲۵/۹). در مجموع سیاست صفوی در تحکیم حاکمیت، بازسازی سلطنت و کسب مشروعیت از منبع دین بود؛ که از رهبری اجداد اردبیلی اسماعیل به رسمیت امامیه در ایران انجامید. آنان مقامات را با خصلت نظامی‌گری و دین‌داری از وکیل نفس‌همایونی، وزیراعظم شاه و امیرالأمرا تا مستوفی‌الممالک، خلیفه‌الخلفا، بیگلربیگی و خان ایلاتی، مبدل به سلسله‌مراتبی قانونی نمودند (نوابی، ۱۳۸۱: ۳۲۳/۳۰۵).

در دوران جمهوری اسلامی

انقلاب ۵۷، ریشه در عملکرد نهادهای مذهبی و مخالفت مردم با اسلام زدایی پهلوی داشت (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۵۶/۲۳). با تبیین نظریه ولایت‌فقیه ذیل دروس بیع امام (ره) و توجه به مردم‌سالاری دینی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی، ایران از دهه ۶۰ وارد خطی از استکبارستیزی و بیدارگری امت‌های اسلامی شد تا زمینه انقلاب جهانی مستضعفین علیه مظاهر طاغوت را فراهم آورد. توجه به مشروعیت ملی، تفکیک قوا و تقسیم عادلانه منابع سرزمینی ذیل نظارت ولی‌فقیه، گمشده‌ای بود که حتی در عصر صفوی نیز چنین غلظتی پیدا نکرد. صیانت از شریعت اسلامی در منظر مجریان سیاست قرار گرفت و مناسبات جدیدی در ارتباط با قدرت‌های جهانی نضج یافت. رهبری کاریزماتیک و مدیریت راهبردی امامین انقلاب به‌عنوان مرجعیت در صحنه‌ی شیعی در اثنای پیچیدگی حوادث تاریخی، قدرت نرمی را تولید کرد که داخل در نظامی انتخاباتی، عناصر تکامل‌یافته‌ای از هویت ایرانی را به ارمغان آورد (جلیلی، ۱۴۰۰: ۲۹/۶). سیاست نه شرقی و نه غربی و عدم تعهد به قدرت‌های لیبرالی - کمونیستی، مواجهه انتقادی با نظام بین‌الملل، مقاومت واقع‌بین و آرمان‌گرا در برابر پست‌مدرنیسم فرهنگی، توجه به فناوری و مناسبات جهانی با حفظ هویت تاریخی، اخلاقی و انسانی سازی بنیان وحدت ملی به‌جای تمرکز بر قومیت و نژاد و نیز تعامل‌گرایی پویا بدون هضم یا ابزاری شدن؛ تشریح کالبد انقلاب معاصر ایران است (جمشیدی، ۱۳۹۳: ۴۶۶/۵۸). رهبری مدبرانه متکی به مردم توانست کشور را طی ده سال تجاوز نظامی ۲۶ دولت متخاصم با پرچم رژیم بعثی و تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی حفظ کند؛ و محور سترگی از مقاومت بسازد که تصمیمات منطقه‌ای را خالی از موافقت ایران، ناتمام



بگذارد (رحیمی روشن، ۱۳۹۲: ۶۱). همان‌طور که توانسته روسیه، چین، آمریکا و انگلستان را به‌عنوان قطب‌های جهانی پشت میز مذاکره برای عقد توافقنامه‌های ۲۰-۳۰ ساله بکشاند و متفکرینی چون: فوکو، چامسکی، فولر، کدی، اسکاچپول، سعید، زونیس، گرین، فیشر، فوران، لونی و هالیدی را در نقد و نظر تأثیرات جهانی‌اش وادار به تأمل و نظریه‌سازی کند.

شاخصه رقابتی (مؤلفه‌های دشمن، اسطوره و آرمان) در دوران صفوی

اصلی‌ترین دشمن با صفویه را می‌توان عثمانیان در منطقه آناتولی دانست. از جنگ نابرابر چالدران که به شکست شاه اسماعیل و اشغال هشت روزه تبریز منجر شد تا جنگ با ازبکان، گرجیان، شیبک خان و علی‌قلی خان در هرات و خراسان و حتی تجزیه خاک ایران توسط روس و ترک پس از سقوط اصفهان به دست افغانه، جبهه شمال غرب ایران، در التهاب امنیت نه با جهان‌شاه گورکانی یا اروپای مسیحی، بلکه با خلفای عثمانی بود. البته هلندی‌ها، ژرمنی‌ها، اسپانیایی‌ها و فرانسوی‌ها نیز با ایرانیان بر سر عقد معاهدات اقتصادی و اتحاد علیه ترکان توافقات و تعارضات دیپلماتیک داشته، در اوضاع نابسامانی‌های داخلی از سوی پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها، دست به اشغال هرمزگان و جزایر جنوبی زده و به‌وقت قدرت ایران از پاپ واتیکان، نامه‌های تمناگونه در خوش‌رفتاری با مبلغان مهاجر مسیحی می‌فرستادند. در مجموع شیعیان صفوی را چه تاجیک، قزلباش و ایرانی‌الاصل، می‌توان خصم تجاوزات سرزمینی و تعرض‌های عقیدتی عثمانیان دانست. تلاش دربار نیز همواره معطوف به دفع این فتن از طریق تحکیم انسجام داخلی و عقد صلح‌نامه‌های آماسیه، زهاب و ارزنة‌الروم، بسط تبادل مرزی و ارسال سردارانی چون الله‌وردی خان به مناطق جنگی بود (تاج‌بخش، ۱۳۷۲: ۳۸۹/۸۵).

صفویان با اسطوره‌سازی از شیخ صفی تا زمان ندیده‌اش اسماعیل، از وی رهبری مقدس و زعیمی شجاع بر احیای شیعه چهره می‌کردند. در حقیقت موعودگرایی در عصر صفوی به‌واسطه نشر احادیث امامیه و انتشار آثار فقهی - عقیدتی آن‌قدر شایع شد؛ که کلاه سرخ‌رنگ دوازده تکه قزلباشی به تأسی از مکاشفه‌ای با امیرالمؤمنین (ع) نمادی برای صفویه گشت و شاهان به‌واسطه علمای عصر، خود را مروج مذهب اهل‌البیت (ع) و زمینه‌ساز ظهور امام دوازدهم (عج) می‌دانستند (جی نیومن، ۱۳۹۳: ۶۲/۱). این اعتقاد آن‌چنان قوت داشت که حتی با سقوط اصفهان و قتل عام پنج هزار تن از جمله چهل شاهزاده به دست محمود افغان، ایرانیان تا سال‌ها در انتظار بازگشت

اعقاب شاه بودند و باور به پایان حکومت نداشتند (جعفریان، ۱۳۹۳: ۱۱۵۵/۵۰)؛ همچنین نمادهای درفش کاویانی و شیر و خورشید در پرچم ایرانی، از این دوره ترویج یافت (گودرزی، ۱۳۸۷: ۳۰۰/۲۹۷).

در دوران جمهوری اسلامی

با شکست پنجمین ارتش قدرتمند دنیا پس از سیزده ماه تظاهرات خونین مردم و فرار شاه در ۲۶ دی ماه ۵۷ به مصر، جزیره ثبات ایالات متحده غرق شد، ستون امنیتی نیکسون فروریخت، طرح نفوذ ک.گ.ب شکست خورد و قمار کودتاهای انگلیسی به باختی زودهنگام رسید. (طلوعی، ۱۳۷۰: ۵۳۶/۴۸۹) از بدو تأسیس جمهوری اسلامی، آمریکا با قطع یک طرفه روابط دیپلماتیک، حمله ناکام نظامی در طبرستان و اعمال تحریم‌های نفتی علیه ایران، به‌عنوان بزرگ‌ترین ارتش جهان، علم دشمنی با ایرانیان را برداشت و رژیم بعثی عراق نیز با سوءاستفاده از شرایط و ناآرامی‌های داخلی، تجاوز و اشغال خرمشهر و آبادان را کلید زد. مصر و اردن برای ارتباط با رژیم صهیونیستی با ایران قطع رابطه کردند و پاکستان و عربستان که از شیوع انقلاب به دیکتاتوری‌های خود واهمه داشتند، علیه کشور جبهه آرائی نمودند. اتحاد جماهیر شوروی نیز به عراق کمک تسلیحاتی می‌کرد و همراه با فرانسه و آلمان که مهمات و سلاح شیمیایی به صدام می‌دادند، جنگی تمام‌عیار ترتیب دادند که درنهایت با واردسازی خسارتی هزار میلیارد دلاری، مانند تجزیه‌طلبان کردستان و ترکمن‌صحرا، کودتاچیان نوژه و تروریست‌های مجاهدین خلق، ناکام ماندند.

بی‌شک‌گیری‌ترین عنصر کنونی ایران، دولت آمریکا و بالاتر از آن فرهنگ لیبرال سرمایه‌داری است. اگرچه تاکنون از صدمات سخت بازداری شده اما جذابیت‌های زیست آمریکایی همچنان در حال نفوذ بر فرهنگ عمومی از طریق دیپلماسی رسانه‌ای است. صلح‌طلبی، عدالت‌گستری، مستضعف‌گرایی، نگاه به شرق و رویکرد انتقادی به سازمان‌های امپریالیسم جهانی را می‌توان از اصول سیاست خارجی ایران دانست و توسعه‌گفتمانی شیعه، صدور انقلاب، دفاع از شریعت، پاسداری از ولایت‌فقیه و تکیه بر مردم‌سالاری را از بنیان‌های نظری آن بشمرد (خواججه‌سروری، ۱۳۹۰: ۶۰/۴۲). آرمان انقلاب، ساخت تمدن نوین اسلامی در مقدمه تحقق دولت مهدوی (عج)، اسطوره‌هایش معصومین (ع) و الگوشخصیت‌هایی چون: امام خمینی (ره)، شهدای دفاع مقدس و نخبگان ایتارگر ملی است. همچنین تلاش دارد تا با تشکیل محور مقاومت



از لبنان و سوریه تا یمن و کشمیر و ائتلاف‌سازی با جنبش‌هایی چون عدم تعهد از آندلسیزه شدن فرهنگ و بالکانیزه شدن جامعه، پیشگیری کند (کلانتری، ۱۳۸۹: ۱۵۵/۳۹).

شاخصه آئینی (مؤلفه‌های مذهب، مناسک و مراسم) در دوران صفوی

صفویه، دوره‌ی ناسیونالیسم دینی و التزام به تشیع دوازده‌امامی است. حادثه بزرگی که پس از قرن‌ها به شیعه فرصت خوداظهاری بخشید و مدافعان ولایت امیرالمؤمنین (ع) را از مناطقی چون: نجف، کربلا، جبل عامل، قطیف و احساء تا نواحی خراسان، مازندران و عراق ایرانی، به سوی پایتخت‌های قزوین و اصفهان کشاند. در این عصر اقبال به تألیف و جمع‌آوری کتب حدیثی شیعه و پاسخگویی به نیازهای حقوقی - قضائی حکومت به طرز چشم‌گیر افزایش یافت. از ۸۵ هزار حدیث نهفته در بحارالانوار علامه مجلسی، و سائل‌الشیعه شیخ حر عاملی و کتاب وافی فیض کاشانی تا برهان علامه بحرانی، جامع‌المقاصد محقق کرکی و مجمع‌الفائده محقق اردبیلی، همگی از آثار ارزشمند این دوره در قرآن و حدیث و فقه محسوب می‌شوند. همچنین فترتی ایجاد شد تا رجل بزرگ علمی - فلسفی مانند میرداماد، شیخ بهائی، میرفندرسکی، افندی، محقق سبزواری، شیخ‌علی کمره‌ای و جناب ملاصدرا به جهان اسلام معرفی شوند. از نیمه صفوی نزاع فقها با عرفا و متصوفه و نیز عقلیون و اصولیون با اخباری‌ها، تصفیه اندیشه‌های شیعی را از اباحی‌گری و شریعت‌گریزی خروجی داد که تداوم بقای حکومت و قوام اندیشگی ایرانیان را تضمین کرد (لک‌زایی، ۱۳۸۵: ۳۸۳/۱۳۹). البته در این زمان، برخی افراط‌گری‌ها در تقابل با خفقان تاریخ خلفای اموی، عباسی و عثمانی بروز کرد که از جمله آن ظهور تبرائیان بود (جعفریان، ۱۳۷۹: ۳۶/۲). حکومت، همراه با مادحین به سادات مقرر ثبوتی می‌داد تا از یوغ فقر و وهن گذشته، خلاص شوند. در این دوره، سنت موقوفات اسلامی احیا شد و بسیاری از کاروانسراها، مساجد، مدارس، راه‌ها و حسینیه‌ها چون: اموال نظرآقا، روستاهای سلطان حسین و مدرسه آقا کمال به انتفاع عمومی رسید (جعفریان، ۱۳۷۹: ۹۳۳/۸۷۹).

اقامه نماز جمعه، احداث زیارتگاه بر مزار امامزادگان، توجه به عزاداری عاشورا و شب‌های قدر و بزرگداشت اعیاد غدیر و شعبانیه رونق گرفت. متأثر از جذابیت و اتقان اندیشه‌های شیعی، پدر آنتونیو دوژزو پرتغالی که برای تبلیغ مسیحیت آمده بود، مسلمان شد و در دفاع از شیعه آثاری نوشت و بانام علی‌قلی جدیدالاسلام بازگشت. جنبشی از ترجمه‌ی آثار اسلامی برپا شد؛ حوزه‌های علمیه جان یافت و علما تاج زرین اسلام را

بر سر حکام صفوی گذاشتند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۱۳۳/۱۰۰۱). در مراسم ایرانی، عید نوروز، جشن آب‌پاشان و چهارشنبه‌سوری، حتی درائت‌های جنگ با عثمانی، مألوف فرهنگ ایرانی بود و البسه چارگری ابریشمین صفوی، موردعلاقه سیاحان اروپایی می‌نمود؛ تا آنجا که پادشاه بریتانیا، لباس فاخر ایرانی‌ای که شاه‌عباس به شرلی هدیه داده بود را پوشید. جهانگردان این عصر، روح بلند و ادب رفتار، استعداد و تیزهوشی بسیار، فروتنی و میهمان‌نوازی و قصه‌پردازی و اسطوره‌سازی را از صفات ایرانیان تقریر و مجالس قهوه‌خانه، شربت‌خانه و شاهنامه‌خوانی را در کنار پای‌کوبی و قهوه‌نوشی، جوش‌وخروش عمومی ایشان برشمرده‌اند (گودرزی، ۱۳۸۷: ۳۰۴/۲۹۰).

در دوران جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی، تلفیق حکومت خدا بر مردم و دولت مردم بر مردم بود که اراده ملت، شکل اداره جامعه و محتوای اسلام، چارچوب اصلی آن را در تعامل امت و امام می‌ساخت؛ فلذا تنها نمونه حکومتی تماماً دینی است (مهاجری، ۱۳۶۰: ۱۴۲/۳۹). با انقلاب ایران، اصول و فروع مذهب احیا شد و تماشای گروه انقلابیون توحید باور و معنویت‌گرا، ابتلای جهان ایرانی به الحاد و عرفی‌سازی را کند کرد. با انقلاب، گرایش به معارف دین از جمله مفاهیمی چون ولایتمداری و عدالت‌طلبی شاکله پیشرفت ملی قرار گرفت و دفع منکرات شریعت، چون: کرنش در برابر طواغیت و مظالم دوران تشویق شد. خودباوری و عزت خواهی در رفتار ایرانی تقویت گردید و علی‌رغم افزایش خصومت دشمنان، جهاد و از خودگذشتگی اجتماعی، چه در میدان دفاع نظامی و چه در عرصه شبکه‌های مجازی، ظهور یافت (مجدمی، ۱۳۹۸: ۲۰۸/۱۸۸). اعتقادات رفتاری ایرانیان از عمده عناصر هویت‌ساز آن‌ها تلقی شد و تصاعد شوق شهادت و مقاومت، اهتمام به مراسم زیارتی و انجام جمعی مناسک عبادی، تکثیر مساجد و حسینیه‌ها، اقبال به نذر و خمس و صدقه و موقوفه، در عین التزام به مراسم نوروز، یلدا و حافظ‌خوانی، از قرائن تحول دینی در دوران جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. همچنین عاطفه‌گرایی، خانواده‌دوستی و هنجارمداری، وصف قاطبه جوانان در

مزیت‌های هویتی آنان شد (سیدامامی، ۱۳۹۰: ۳۸).

شاخصه فرهنگی (مؤلفه‌های علم، هنر و اخلاق)

در دوران صفوی

در تاریخ‌نگاری سیاحان خارجی از جمله اولناریوس آلمانی آمده: در دوران صفوی هر کوچه مسجدی و هر مسجد شیخی داشت که اهالی هزینه‌های آن را پرداخت می‌کردند. آن مساجد مذهبی در کنار بازارهای تجاری، محل عبادت و تلاوت قرآن و محفل گلستان



و بوستان خوانی است که در آن حکایت و حکمت و نصیحت شنیده می‌شود. ایرانیان صرفاً به علوم کاربردی در ایام زندگی‌شان می‌پردازند و علاوه بر نقل تاریخ پادشاهان و ملل جهان و بازخوانی سرگذشت امامانی چون علی (ع) و فرزندش حسین (ع)، در مدارس عمومی خود، دروس حساب و هندسه، حقوق و اخلاق، طب و نجوم و شعر و خطابه درس می‌دهند (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۳۰۵/۰۲). شاردن بیان می‌کند که صدر، مسئول امور روحانی و علمی - آموزشی است و می‌توان مرتبه‌اش را معادل مفتی اعظم عثمانی دانست. تنها در اصفهان ۵۷ باب مدرسه دایر است که سطح عالی آموزشی پس از مکتبخانه است و در انتصاب شاه قرار دارد (شاردن، ۱۳۴۹: ۲۷۶/۲۴). تدریس مدارس به دست اساتید عموماً سالخورده؛ اما پرتجربه انجام می‌شد که هرکدام گاه چند رشته علمی را با روحیه‌ای پدر - فرزندی و صدای رسا مشق می‌کردند. تربیت و آموزش توأمان و استاد علمی خود روحانی دینی بود؛ دستمزدها فوراً پرداخت می‌شد؛ اما کمتر به تقدم و تأخر دروس و تناسبش با فهم و سن محصلین توجه می‌گشت. شاهزادگان نیز از مدرسه معاف بودند؛ اما سواد خواندن و نوشتن آموخته، افسانه‌های تاریخ بشری می‌خواندند و به‌جای اصول کشورداری و جنگاوری، تیراندازی و نقاشی می‌آموختند.

آرتور دوگوبینیوی فرانسوی، صدسال پس از سقوط اصفهان می‌گوید: این شهر آن‌قدر زیبا، پرآرایش و فریبنده است که نمی‌شود گفت شهریاران به چیزی جز افسانه‌های پریان گوش دهند، چراکه این معماری پرنقش و رنگ، آدمی را به رؤیای قصه‌های هزارویک‌شب می‌برد. از بقعه‌ی شیخ صفی تا کاخ‌های پادشاهی چون قصر جهان‌نما و کوشک چهل‌ستون، هشت‌بهشت و حوض‌های فواره‌دار چهارباغ، پل‌های سیصد ذرعی‌الله‌وردی خان و خواجه، مسجد شاه و مدرسه مادر شاه، کاروانسرای بزرگ سلطنتی اصفهان و بازارها، زمین چوگان نقش‌جهان و عمارت عالی‌قاپو، شکوه شیخ لطف‌الله و هشت‌ضلعی‌ها و ایوان و دالان و کاشی و طاق و گنبد و تذهیب و مقرنس و منبت و محرابشان؛ تلاقی عمران سلجوقی و مهارت‌های سبک باروک از زمانه شاه‌عباس اول تا سلطان حسین است. این دوره از چنان رشد هنری در صنعت معماری برخوردار است که در تاریخ جهان نمونه‌ای بی‌نظیر بوده و تاج‌محل از صادرات آن است (استیرلن، ۱۳۷۵: ۱۰۵/۹۶).

در نقاشی هم آثار بهزاد و شاگردانش از شاهنامه مصور تهماسبی و تذهیب خمسه نظامی تا مکتب رضا عباسی شهره است. در خط، آثار نسخ و نستعلیق و شکسته به دست مولانا سیاوشانی تا میرعماد قزوینی نگاشته می‌شد. موسیقی منهی بود و بزم‌آرای

مجالس رقص، اما نوازندگانی چون تنبوره‌چی و گدای‌نایی هم داشت. در فرش پیشرفت محسوسی داشت و اکنون، شاهکار شکارگاه موزه میلان و اثر اردبیل موزه ویکتوریای لندن، سند هنری آن است. (نوایی، ۱۳۸۱: ۳۶۵/۳۶) حالات روحی مردمان صفوی را چون اندامشان ظریف و سرزنده، سکون ثبات‌گرا و منعطف و شخصیتشان را پراستعداد اما ضایع‌کننده آن خوانده‌اند. کرزن در توان‌پایداری و هضم دیگر فرهنگ‌ها، ایرانیان را منحصر به فرد می‌شمارد (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۵۰). فلذا آن‌ها را وفادار سنن و مذهب، اهل مدارا و تساهل با اقلیت‌ها، معنویت‌خواه و آراسته، مهمان‌پذیر و محافظه‌کار دانسته است (اسماعیلی‌مهر، ۱۳۹۶: ۹۱/۷۴).

در دوران جمهوری اسلامی

پیشرفت علمی - آموزشی در جمهوری اسلامی متحول شد و ایران به چنان ظرفیتی رسید که در کمتر از نیم قرن ۹۸٪ مردم را باسواد کرد. به نحوی که از هر چهار تن یکی (معادل ۱۸ میلیون نفر) در مدارس، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مشغول تحصیل است تا میان ۱۹۰ کشور، ۲٫۱٪ از علم جهان را تولید کند. ایران معاصر در رشته‌های گوناگونی چون: صنایع نظامی و هسته‌ای، علوم پزشکی و مهندسی، ریاضیات و شیمی، هوافضا و سلول‌های بنیادی، پیوند اعضا و لیزر، نانو، بیو و بایوتکنولوژی توانسته به ۳ تا ۲۰ کشور نخست دنیا با سرعتی معادل ۱۱ برابر نورم جهانی رسیده (رکابیان، ۱۳۹۷: ۳۲/۱۰). همچنین در شاخص توسعه انسانی خود را در جمع ۵۰ کشور نخست قرار داده اما همچنان به دلایل تحریمی، آلودگی به اقتصاد رانتهی و مشکل در اخذ مالیات و توزیع منابع، دچار تبعیض است. جمهوری اسلامی در عمران و آبادی، راه و سدسازی، حمل‌ونقل و خدمات عمومی، توان تولید و خودکفایی و آبادسازی شهرها و روستاها، با رشدی تصاعدی و بالاتر از معدل کشورهای در حال توسعه عمل کرده و در هنر از موسیقی و فیلم‌سازی تا نقاشی، خط و شعر، حرکت قابل قبولی داشته است.

صنایع دستی ایرانی چون انواع رودوزی، فلزکاری، میناکاری، قلمکاری، خاتم‌کاری، آبگینه، منبت، معرق، مرصع، مشبک، نمدمالی، پوستین‌سازی، رنگ‌ریزی، چرم، گیوه، چاروق و گلیم‌دوزی، فرش، ابریشم، حصیر و داربافی نیز همچنان در یازده شهر اصلی از جمله مشهد، اصفهان، شیراز، یزد و تبریز رونق دارند. موسیقی سنتی و آواز ایرانی، با شخصیت‌هایی چون: کلهر، قربانی و ناظریان مشهور و جشنواره بین‌المللی فجر و عمار با شبکه‌های آی‌فیلم و جام‌جم و سریال‌های *امام علی (ع)*، *مختار* و *یوسف پیامبر* در منطقه و با فیلم‌های مجیدی، کیارستمی، حاتمی‌کیا، اسعدیان، فرهادی، مهرجویی و



جلیلود، در جهان زیانزد است. سورنالیسم درودی و مینیاتور فرشچیان در نقاشی، آثار نستعلیق، شکسته و کلک امیرخانی، کابلی و فراهانی و نیز اشعار شهریار، اخوان، سپهری، بهبهانی، حسینی و ابتهاج، از مصادیق درخشش هنری آن است. ایرانیان عهد جدید همچنان به: علم‌جویی و تمدن‌مابی، وطن‌دوستی و آبرومداری، آداب خواهی و خوش‌مشربی، نجابت و خوش‌ذوقی معروف‌اند؛ اما به عقیده نه‌چندان بی‌غرض برخی مستشرقین دچار آفاتی چون: دروغ‌بافی و بدگویی، تنبلی و تکبر، عشیره‌گرایی و فردمحوری و حسادت و بی‌نظمی‌اند (سبکتکین‌ریزی، ۱۳۹۸: ۱۱۷/۰۴).

جدول شماره ۲: نتایج مطالعه تطبیقی مؤلفه‌های هویتی ایران (منبع: یافته‌های پژوهش)

نتایج مطالعه تطبیقی مؤلفه‌های هویتی ایران در عصر صفوی و جمهوری اسلامی		
تغییرات کیفی	دوره سلطنت صفویان (۸۸۰-۱۱۱۴ هجری خورشیدی) ۲۳۴ سال دوره جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۴۰۰ هجری خورشیدی) ۴۳ سال	
	تفاوت‌ها	شبهات‌ها
پیشرفت نسبی	تحولات ماقبل صفوی پرتلاطم‌تر از جمهوری اسلامی اما میزان تنفر از حاکمیت پهلوی بیش از ایلخانی است.	تاریخ پرآشوب و ادوار پر هرج و مرج با حکام ناصالح پیشینی اما تأسیس مردمی و برآمده از جنبش‌های مذهبی
نسبتاً پایاپای	میان‌ی و خصم‌زبانی صفویه، فارسی دری و میانی بود و در جمهوری اسلامی ترویج شکسته‌نویسی و کلمات انگلیسی است.	توجه به زبان و ادب فارسی و ارج دهی به شعرا در کنار مقابله با خصم‌های زبانی که درصدد تضعیف فارسی بودند.
پسرفت نسبی	محدوده حاکمیت صفوی و میزان نفوذ هویتی آن در منطقه گسترده‌تر بوده است برخلاف جمهوری اسلامی که علی‌رغم حفظ تمامیت ارضی، سیاست گسترش جغرافیایی را دنبال نکرده است.	مبارزه با تجاوزگری‌های سرزمینی و تشکیل نظام دفاعی منسجم برای تقابل با دشمنان نواحی شرقی و غربی
پیشرفت محسوس	حاکمیت صفوی پادشاهی و گاه بسیار مستبدانه بود اما حکومت در جمهوری اسلامی مبتنی بر انتخاب عمومی است.	ساخت حاکمیت نوین و به‌دوراز استبداد و استعمار پررنگ گذشته، توجه به نظم و انسجام درونی و نهادسازی
پیشرفت محسوس	تشخیصی امور سیاسی صفویه بر عهده دربار و شاهان بود و گاه از اتقان و اخلاق دور می‌شد اما در جمهوری اسلامی تصمیمات سیاسی بر پایه مشورت متخصصین و فقیه جامع‌الشرایط است.	برخورداری از ایده درونی و سیاست منحصربه‌فرد که در تلاقی ایدئولوژی رهبران و حمایت هواداران شکل گرفته
پیشرفت محسوس	برخی مقاطع صفوی خالی از رهبران محبوب و راهگشا بوده اما در چهار دهه	تجربه رهبران کاریزماتیک و محبوب که نقش اتحاد بخش در میان اقوام و تأثیر

	انسجام بخش و هدایتگر در پیشبرد اهداف حکومت و سیاست‌های ملی را به‌وقت بحران‌ها ایفا می‌نمودند.	جمهوری اسلامی، رهبران انقلاب همواره از محبوب‌ترین و کانونی‌ترین عناصر اصلی در بدنه عمومی جامعه‌اند.
دشمن	دارای دشمنان قدرتمند و پایدار و تهدیدات متنوع و گسل‌های متعدد در پیکره فرهنگی، سیاسی و اجتماعی	حجم دشمنی‌های خارجی عثمانی و اختلافات قزلباش و تاجیک، کمتر از خصومت‌های دولتهای غربی و فتنه‌های داخلی در تاریخ جمهوری اسلامی است.
مؤلفه‌های هویتی	دوره سلطنت صفویان (۸۸۰-۱۱۱۴ هجری خورشیدی) ۲۳۴ سال	تغییرات کیفی
	دوره جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۴۰۰ هجری خورشیدی) ۴۳ سال	
	شباهت‌ها	تفاوت‌ها
قهرمان	توجه به منابع اسطوره‌ای ایران و بهره‌مندی از رهبران کاریزما و هدایتگر که وابسته به عناصر ملی - مذهبی‌اند.	در صفویه توجه به شاهنامه و افسانه‌های گرایشی بیشتر و در جمهوری اسلامی تکیه بر اهل بیت(ع) کاملاً قدرتمند است.
آرمان	امید به آینده روشن جهانی و مقدمه‌سازی دولت‌های حاضر برای ظهور منجی بشریت و تلاش در جهت عدالت	عمق و معنای مهدویت(عج) در صفویه کمتر و زمینه‌سازی مجددانه برای تحقق تمدن نوین اسلامی در نهال نورس جمهوری اسلامی نسبتاً پررنگ‌تر است.
مذهب	اهتمام معنادار به فرهنگ شیعی و مبارزه با انواع انحرافات مذهبی از قبیل اخباریگری تا سیاست‌گریزی صوفیانه	آگاهی و اهتمام مذهبی در دوران نوظهور صفوی به نسبت جمهوری اسلامی در میان حکام و مردم بسیار کمتر و منحصر در کلیات دین بوده است.
مناسک	توجه به مناسک دینی اعم از حج، وقف، صدقه، نذر، نماز جمعه و امر به معروف و نهی از منکر در ساحت فرد و اجتماع	کیفیت اهتمام به مناسک دینی در صفوی کمتر و اعتنا به ظواهر به قدر جمهوری اسلامی مهم بوده، فلذا جایگاه مناسک دینی در هر دو عصر والا است.
مراسم	رویکرد مثبت نسبت به سنن فرهنگی و مراسم‌های آئینی ایران‌زمین؛ همچون نوروز، بلدا، چهارشنبه‌سوری و برگزاری جشن‌ها، ورزش‌ها و بازی‌های محلی	اهتمام به جشن‌های آئینی در صفویه محسوس‌تر بوده اما نوروز و یلدا در دوران جمهوری اسلامی از سنن اصلی جامعه ایرانی است.
علم	توجه به سوادآموزی و یادگیری صنایع و حرف مورد استفاده در مشاغل عامه از طریق نظام آموزش تحصیلات عمومی	علوم صفوی منحصر در چند رشته خاص بود اما در جمهوری اسلامی در تمامی شاخه‌ها رشد سواد و علم چشمگیر است.
هنر	اهتمام به معماری ایرانی و حفظ و مرمت آثار تاریخی گذشتگان، توجه به خط، موسیقی، شعر، صنایع مستظرفه و فرش و قالی‌بافی در آنها مشهود است.	اهتمام به معماری و ساخت بناهای باشکوه در صفوی بسیار چشمگیر و در جمهوری اسلامی در رکود است اما موسیقی، سینما و نقاشی قابل تأیید است.
اخلاق	روحیه متعطف، میهمان‌نواز، متواضع، مقاومت‌جو، بیگانه‌ستیز، سنتی و مؤدب و	اخلاق اجتماعی صفوی در چشم سیاحان اروپایی مورد پسند بود و امروز علی‌رغم



برخی محافل معدود و طبقاتی از جامعه	البتّه رواج شرب خمر، فساد جنسی در روتق عناصر معنویت، عدالت و مقاومت؛ گرایش به مادی‌گرایی، خودخواهی و انحرافات جهان مدرن رو به تزاید است.
------------------------------------	--

نتیجه‌گیری

برآیند مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در هر دو زمان، پنج شاخصه هویت‌ساز ایرانی رشد محسوسی داشته‌اند. در مطالعه تطبیقی، مؤلفه‌های: «زبان، مراسم و اخلاق»، معدلی پایاپای داشته؛ «تاریخ، حکومت، سیاست، رهبری، قهرمان، آرمان، مذهب، مناسک و علم» پیشرفت کرده و عناصر: «جغرافیا، دشمن و هنر» در قیاس با عصر صفوی معدلی رو به افول دارند چراکه به عنوان مثال جغرافیا رو به گسترش نرفته یا دشمنی‌ها به جهت ائتلاف امپریالیسم جهانی علیه انقلاب اسلامی تکثیر شده و دیگر اثری از هویت اصیل ایرانی - اسلامی در معماری عمومی و چشم‌انداز حاکمیت جز بنای مساجد و امامزادگان دیده نمی‌شود. نتایج پژوهش اذعان دارد که: ماحصل رفتاری جمهوری اسلامی با وجود برخورداری از فرصتی کمتر و بازی در معادلاتی پیچیده‌تر، از عملکردی بهتر برخوردار بوده است. در حقیقت خطوط سیاسی و جریانات اجتماعی عصر جدید باعث شده، درون‌مایه دینی در شکل‌دهی به ماهیت و رویکرد حاکمیت، نقشی پررنگ ایفا کند؛ بنابراین اشتراکات زیادی میان این دو مقطع تاریخی می‌توان یافت که عناصر وحدت‌ساز و قوام‌بخش آنها یک‌سان است. پس فرضیه ابتدایی پژوهش، تحقیقاً ثابت است.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۳)؛ *ایران: هویت، ملیت، قومیت (مجموعه مقالات)*، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- استیرلن، هانری و فلاح‌نژاد، منصور (۱۳۷۵)؛ «هنرهای تجسمی: شگفتی‌های هنر عصر صفوی». هنر، زمستان و بهار، شماره ۳۲، صص ۱۰۵-۹۵.
- اسماعیلی‌مهر، حمید و بیگدلی، علی و ادریسی، مه‌ری (۱۳۹۶)؛ *بررسی اخلاق اجتماعی ایرانیان در سفرنامه‌های اروپایی (سفرنامه‌های دوره صفویه و قاجار)*، تهران: تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، زمستان، شماره ۲۹، صص ۹۲-۷۱.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵)؛ *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی؛ احمد اشرف و دو مقاله از گاردو نیولی و شاپور شهبازی*، مترجم: حمید احمدی، تهران: نشر نی.
- افروغ، عماد (۱۳۸۰)؛ *هویت ایرانی*، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۶۳)؛ *سفرنامه آدام اولتاریوس: بخش ایران*، مترجم: احمد بهپور، تهران: ابتکار.

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹): *تاریخ ایران مدرن*، مترجم: محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی.
- براون، ادوارد (۱۳۶۹): *تاریخ ادبیات ایران: از صفویه تا عصر حاضر*، مترجم: بهرام مقدادی، تهران: نشر مروارید.
- بلباسی، میثم (۱۳۹۷): *هویت ملی در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۷۲): *تاریخ صفویه*، تهران: انتشارات نوید شیراز.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳): *تاریخ ایران از آغاز تا پایان صفوی*، تهران: نشر علم.
- ---- (۱۳۷۹): *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ---- (۱۳۷۹): *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، جلد دوم، چاپ پنجم.
- ---- (۱۳۷۹): *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، جلد یک، چاپ پنجم.
- جلیلی، محمد و نوروزی فیروز، رسول (۱۴۰۰): «دریافت نقش‌آفرینی انقلاب اسلامی در بازتولید عناصر تمدنی ایران معاصر (مبندی بر تحلیل مضمونی بیانیه گام دوم انقلاب)»، قم: *سیاست اسلامی*، دوره ۹، شماره ۱۹، بهار و تابستان، صص ۴۱-۱۲.
- جمشیدی، محمدحسین و سبزی، داود و حقیرمددی، جواد (۱۳۹۳): «ارزش‌های انقلاب اسلامی و نظریه‌پردازی (در عصر تحول فرهنگی)»، تهران: *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، پاییز، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۴۶۸-۴۵۱.
- جی نیومن، اندرو (۱۳۹۳): *ایران صفوی نوزایی امپراتوری ایران*، مترجم: عیسی عبدی، تهران: نشر پارسه، پژوهش‌های نوین تاریخی، شماره ۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و قلی‌زاده، علی‌ولی (۱۳۸۶): «دولت صفوی و هویت ایرانی»، *مطالعات ملی*، زمستان، شماره ۳۲، صص ۲۸-۳.
- خواجه‌سروری، غلامرضا (۱۳۹۰): *سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- رجائی، فرهنگ (۱۳۸۲): *مشکله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*، تهران: نشر نی.
- رحیمی روشن، حسن (۱۳۹۲): «نقش رهبری انقلاب اسلامی در حفظ تمامیت ارضی ایران در نگاهی تطبیقی به تاریخ معاصر»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۲، بهار، صص ۷۸-۶۱.
- رکابیان، رشید (۱۳۹۷): «دستاوردهای آموزشی و علمی چهل‌ساله انقلاب اسلامی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۱۵، زمستان، شماره ۵۵، صص ۳۴-۷.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲): *تاریخ در ترازو*، تهران: امیرکبیر.
- زهیری، علیرضا (۱۳۹۸): *سیاست هویت در جمهوری اسلامی ایران*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲): *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد دوم.
- سبکتکین‌ریزی، قربانعلی و سدیدپور، سمانه‌سادات (۱۳۹۸): «هویت ایرانی از دیدگاه صاحب‌نظران و مردم»، *مسائل اجتماعی ایران*، بهار و تابستان، سال دهم، شماره یک، صص ۱۲۴-۱۰۱.
- سید امامی، کاووس (۱۳۹۰): «هویت ایرانی در گفتار جوانان»، تهران: *جامعه‌شناسی ایران*، بهار، دوره دوازده، شماره یک و دو، صص ۶۴-۳۸.
- سیوری، راجر (۱۳۶۳): *ایران عصر صفوی*، مترجم: کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ سی و یکم.
- شاردن، ژان (۱۳۴۹): *سفرنامه ژان شاردن*، مترجم: محمدعلی عباسی، تهران: امیرکبیر، جلد چهارم.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۶): *افسون زندگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار*، تهران: فرزانه روز.
- شریعتی، علی (۱۳۹۴): *بازشناسی هویت ایرانی اسلامی*، مشهد: سپیده باوران.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۵): *ایرانیان و هویت ملی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



- ضابط، حیدر رضا (۱۳۷۷)؛ *اسلام و مسلمانان/ ظهور سلسله صفویه، نقطه عطفی در تاریخ ایران، مشکلات، بهار و تابستان*، شماره ۵۸ و ۵۹، صص ۲۵-۵۰.
- طلوعی، محمد (۱۳۷۰)؛ *داستان انقلاب*، تهران: نشر علم.
- عالی زاده، عبدالرضا (۱۳۸۵)؛ *اجرای تحقیق به روش دلفی*، تهران: نشر یوسف.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)؛ *انقلاب اسلامی و ریشه های آن*، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۹۱)؛ *ایرانیان: دوران باستان تا دوره ی معاصر*، تهران: نشر مرکز.
- کچوئیان، حسین (۱۳۹۰)؛ *هویت ما*، قم: کتاب فردا.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳)؛ *ایران و قضیه ایران*، مترجم: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی فرهنگی.
- کلانتری، ابراهیم (۱۳۸۹)؛ *درآمد: مروری بر کارنامه سی ساله جمهوری اسلامی ایران (جلد ششم: سخنرانی ها و چکیده مقالات)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۸۴)؛ *«انقلاب اسلامی و بازسازی هویت ملی ایران»*، دین و ارتباطات، تابستان، شماره ۲۶، صص ۷-۲۲.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۴)؛ *سفرنامه کمپفر*، مترجم: کیکاووس جهاننداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۷)؛ *تکوین جامعه شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه*، تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- لک زایی، نجف (۱۳۸۵)؛ *چالش سیاست دینی و نظم سلطانی با تأکید بر اندیشه و عمل سیاسی علمای شیعه در عصر صفویه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مجددی، عبدالله و هاشمی، مرتضی (۱۳۹۸)؛ *نگاه دوم، نگرشی نو به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر منظومه تمدنی مقام معظم رهبری*، قم: نشر معارف.
- مک کی، تام و مارش، دیوید (۱۳۹۰)؛ *روش مقایسه ای، برگرفته از کتاب نظریه و روش در علوم سیاسی به کوشش مارش و جری استوکر*، مترجم: امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، جلد ششم.
- مهاجری، مسیح (۱۳۶۰)؛ *انقلاب اسلامی راه آینده ملت ها*، تهران: انتشارات اوج.
- میری، سیدجواد (۱۳۹۷)؛ *ایران در پنج روایت: بازخوانی روایت های شریعتی، آل احمد، مطهری، زرین کوب و مسکوب درباره هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و مسئله زبان ترکی در ایران*، تهران: نقد فرهنگ.
- نجفی، موسی (۱۳۹۹)؛ *هویت شناسی: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی اصفهان: آرما*.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷)؛ *مبانی هویت ایرانی*، تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- نوابی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۱)؛ *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه*، تهران: سمت، چاپ اول.
- هال، استوارت و گراسبرگ، لارنس (۱۳۹۶)؛ *پروبولماتیک هویت در مطالعات فرهنگی: هویت و جهانی شدن*، [تدوین] دیوید مورلی و شینگ چن کوان، مترجم: سیاوش قلی پور و علیرضا مرادی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- هزاوئی، سیدمرتضی و حسینی، فاطمه (۱۳۹۵)؛ *«انقلاب اسلامی و تحول در هویت ملی ایرانی»*، پژوهش های سیاسی، تابستان، شماره ۱۷، صص ۸۴-۱۱۴.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۹)؛ *انسان در جستجوی هویت خویش*، مترجم: محمود بهفروزی، تهران: جامی.